

استقبال از « جورج بوش » در عراق با بوت، در افغانستان با مدال !

جورج بوش رئیس جمهور ایالات متحده امریکا به نحوی خود اعتراف نموده که بزرگترین اشتباه او در اثر اطلاع نادرستی بوده که کشور عراق را مورد تجاوز نظامی قرار داده است. ولی حقیقت مساله این نیست در همه گزارشها گفته شده که اثری از سلاح کشتار جمعی در آن کشور دیده نشده است.

واقعیت امر این است که صدام حسین رئیس جمهور سابق عراق با وجود خصلت دیکتاتوری اش بیشتر از هر دولت عربی و اسلامی از مبارزات مردم فلسطین جهت احقاق حقوق شان در برابر اسرائیل حمایت می کرد، بخصوص زمانیکه عملیات انتھاری فلسطینی ها علیه یهودی ها در اسرائیل آغاز گردید، صدام حسین رسماً اعلام داشت که هرگاه شخصی که در اثر عمل انتھاری در اسرائیل جاننش را از دست بدهد، دولت عراق حاضر است به خانواده آن مبلغ بیست هزار دالر بپردازد.

از اینجا و سرکشی های گذشته صدام حسین از خواست های دولت امریکا و انگلیس بود که جورج بوش را وا داشت تا قبل از خاتمه بخشیدن به عملیات تروریستی در افغانستان ناسنجیده و شتاب زده دستور حمله نظامی همه جانبه را به عراق صادر نماید.

البته قبل از تجاوز امریکا به عراق با وجود هشت سال جنگ میان عراق و ایران کشور عراق از چنان توانائی اقتصادی و نظامی برخوردار بود که ده ها هزار انسان از مصر و جاهای دیگر برای کار در آن کشور مصروف بودند، اما تجاوز ناشیانه امریکا باعث ویرانی اکثر تاسیسات اقتصادی و اداری و به غارت رفتن دارائی ها و به تاراج رفتن موزیم و قدیمی ترین آثار تاریخی آنکشور گردید و مهمتر از همه بیش از هفتصد هزار مرد و زن و طفل بی گناه قربانی این تجاوز شدند.

لذا در چنین اوضاع زندگی و زنده ماندن برای بسی انسانها بی مفهوم میشود و برای روح حساس چیزی جز غرور خوب مردن باقی نمی ماند و ژورنالیست عراقی در یک چنین وضع روحی با قبول مرگ بوت هایش را بروی رئیس جمهور امریکا پرتاب می کند و بدین وسیله نفرت و خشم خود و یک ملت را به نمایش می گذارد، و از این حرکت، طوریکه دیده شد مردم رنج کشیده عراق و صد ها هزار مسلمان در سراسر جهان استقبال نمودند که در واقعیت امر انزجار شان را از سیاست های غلط و شوئیستی دولت امریکا و همپیمانان اش به خوبی نشان دادند، از این حرکت باید همه سر دمداران جهان بدانند که تجاوز بی پاسخ نمی ماند و اگر حین لفاظی های کاذب دست ملت به گلوی دشمن نرسد، اقل با پرتاب بوت می تواند حقیر و زبونش سازد.

به ذکر این حادثه شگفت انگیز در همینجا اکتفا کرده، به سفر همزمان جورج بوش از عراق به افغانستان می پردازیم که جناب کرزی به زعم خودش با ژست متمننانه نشان افتخار بنام "غازی امان الله خان" را پیش کش وی نموده است.

اگر بزرگترین دست آورد و افتخار سیاسی تاریخی اعلیحضرت امان الله خان را حصول استقلال افغانستان از تحت استعمار مستقیم و غیر مستقیم دولت بریتانیای کبیر به حساب آوریم باید این مدال به شخصیت های اهدا شود که در راه حصول استقلال کشور نقش بزرگ و شایسته ای ادا نموده باشند و یا در راه آزادی و ترقی کشور نقش محوری از خود برجا گذاشته باشند، اما نه به رئیس جمهور جورج بوش زیرا دولت امریکا در جنگ سرد با دولت شوروی سابق از مردم افغانستان به حیث ابزار استفاده نمود ولی پس از شکست ارتش سرخ، کشور ویران و ملتی با دو میلیون تلفات انسانی دیده و پنج میلیون آواره را به حال خود رها کرد، که در آن حالت دولت های همسایه شرقی و غربی ما تا توانستند گروه های دست پرورده شان را در افغانستان به جان هم انداختند و بیش از پیش مردم بی دفاع ما را به خاک و خون کشیدند، بالاخص حکومت پاکستان با استفاده از بی توجهی جهان نسبت به افغانستان توانست طالب های دست پرورده و تروریست های سازمان القاعده را حاکم بر سرنوشت ملت افغان نماید. فقط آنگاه که آتش تروریست ها از برجهای نیویارک زبانه کشید، دولت امریکا و یارانش بار دیگر متوجه افغانستان شده و تا

کنون در ظرف هفت سال کجدار و مریز علیه تروریست ها عمل کرده اند که باز هم بیشتر از تروریست ها تلفات را به مردم بی دفاع افغانستان وارد نموده اند.

با این حال جناب کرزی از یکسو عملیات خود سرانه نظامی امریکائی ها را که باعث تلفات افراد بی گناه می شود محکوم می کند و از سوی دیگر با وجود نادیده گرفتن حق حاکمیت ملی افغانستان، از سوی امریکائی ها، مدال افتخار را پیش کش جورج بوش می نماید.

لذا با این دو نوع برخورد متضاد مردم چه فکر خواهند کرد آیا اظهار همدردی کرزی در دفاع از جان و مال مردم را چیزی جز ریاکاری و تظاهر تعبیر نخواهند کرد؟

پایان